



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۰

۱۹ شوال ۱۴۴۲ ۲۱ می ۲۰۲۱

شماره ۲۰۶۷۳

۱۸۹۳

دنیای بادیگارد های سلبریتی ها

بادیگار دشخصی محسن ابراهیم زاده، مهدی احمدوند و مرحوم مرتضی پاشایی درباره شغل جذاب تشریفات و حفاظت از سلبریتی ها، خطرات، درآمدش و... می گوید

مصطفی میرجانیان | روزنامه نگار

پرونده

قد بلند و اندامی ورزیده دارد. تنومند است و کت و شلوار مشکی پوشیده است. با عینک آفتابی و هندز فری آن قدر با ایهت شده که هیچ کسی جرئت نزدیک شدن به صاحبکارش را ندارد! درست مثل فیلم ها یا به پای رئیسش حرکت و درگوشی اش پیچ می کند. جناب رئیس اما آدمی سیاسی نیست. او نه تهدید امنیتی دارد و نه خطر خاصی متوجه اوست. او فقط طرفداران زیادی دارد! طرفدارانی که در کوچه و خیابان و در هر مراسمی برای امضا و سلفی به سمت ستاره مورد علاقه شان می آیند. چهره معروف اما انکار از طرفدارانش دلبره دارد و برای خودش محافظ شخصی استخدام کرده است! در پرونده امروز «زندگی سلام» سری به دنیای جذاب تشریفات و محافظت از سلبریتی ها زدیم. به سراغ «محمود گل محمدی» رفتیم. بادیگار دشخصی «محسن ابراهیم زاده» و «مهدی احمدوند» اولین کسی که به سراغ این حرفه در ایران رفته و چندین سال محافظ شخصی مرحوم مرتضی پاشایی هم بوده است. با «محمود گل محمدی» درباره شغل بادیگار دها و تشریفات چهره های معروف گپ زدیم و از خطراتش درباره این شغل خاص و متفاوت پرسیدیم.

سرطان مرتضی پاشایی باعث شد بادیگار د شوم

محمود گل محمدی مدعی است اولین کسی بوده که به دنیای تشریفات سلبریتی ها آمده است. او در این باره می گوید: «من اولین بادیگار د چهره های هنری ایرانی هستم. به لطف امنیتی که در کشور مان داریم برای هنرمندان نیاز به حفاظت شخصی نیست. همان زمان هم آقای پاشایی به بادیگار د نیازی نداشت. اما او به سرطان معده مبتلا بود و باید از او مراقبت می کردیم. مرتضی پاشایی طرفداران زیادی داشت. وقتی بیرون می رفت طرفداران به شکل عجیبی سر اغش می آمدند و اظهار لطف می کردند اما بعضی هم از روی دوست داشتن یک سری رفتار هایی داشتند که باعث آزار و اذیتش می شد. مرتضی دار و های زیادی مصرف می کرد و نباید تحت فشار قرار می گرفت. همان زمان هم بارها «مهدی کرد» دوست صمیمی و مدیر برنامه مرتضی بدون اطلاع قبلی، کنسرت ها را لغو می کرد تا مرتضی استراحت کند. مرتضی هر موقع دلیل لغو کنسرت را می پرسید مهدی می گفت مجوز ندادند تا اواصر ارت کنند. مرتضی پاشایی اما کنسرت را دوست داشت و برای آن پافشاری می کرد. «مهدی کرد» آن او اخر در پشت صحنه، یک جایی طراحی کرده بود که مرتضی بین ستان ها استراحت کند و خیلی آسیب نبیند. من از سال ها قبل با مرتضی آشنا بودم. بعد از این که بیماری او شنید شد، تصمیم گرفتم بادیگار داو شوم و هر جایی می رفتم من همراهی اش می کردم و اجازه نمی دادم که جمعیت زیادی بکهو سر اغش بیایند.»



بادیگار ده ای چهره های سیاسی سلاح گرم دارند و ماشوکر

می خواهم بدانم بادیگار ده ای سلبریتی ها و محافظان چهره های سیاسی چه تفاوتی دارند؟ گل محمدی در این باره توضیح می دهد: «ما و بچه های تشریفات سلبریتی ها، آدم کسی نیستیم. برعکس چهره های سیاسی که بادیگار دهایشان از یک مرجع خاص انتخاب می شوند و همه تایید شده هستند، ما بیشتر با ارتباط و رفاقت با چهره های معروف، همکاری مان را شروع کرده ایم و رابطه ما کاملاً دوستانه است. مثلاً من خودم به جز محسن ابراهیم زاده و مهدی احمدوند با خیلی از خواننده ها مثل علی لهراسبی، میثم ابراهیمی و کلی از بازیگران، دوست هستم. من حتی سابقه کار هنری هم دارم و به جز شغل اصلی ام در چند فیلم و سریال هم بازی کرده ام. مثلاً یکی دوماه پیش در برنامه «جمع مون جمعه» در کنار بازیگران فیتیله حضور داشتم و در «گشت ارشاد ۳» هم بازی کرده ام که به زودی اکران می شود.» او ادامه می دهد: «بادیگار ده ای چهره های سیاسی همیشه سلاح گرم همراه شان دارند ولی ما سلاح سرد در حد شوکر حمل می کنیم البته خیلی وقت ها به همان هم نیاز نیست. یک جایی پیش می آید که برای ترساندن بعضی افراد باید آن سلاح ها را نشان بدهیم چون چهره های معروف همان قدر که طرفدار دارند، دشمن هم دارند.»

من حتی در بیمارستان هم بادیگار د پاشایی بودم

محمود که از دوستان نزدیک مرتضی پاشایی بوده و وسط هر چند جمله نام رفیق مرحومش را می آورد و او را یاد می کند. او در بخشی از خاطراتش می گوید: «آخرین روز هایی که مرتضی در بیمارستان بستری بود من و پدر و مادر مرتضی و چند نفر از دوستان مان به کر بلا رفتیم تا برای سلامتی او دعا کنیم. این آخرین امید ما بود این که به ما خبر دادند حال مرتضی بد است و در آی سی یو بستری شده است. ما هم خودمان را سریع به تهران رساندیم. همین که وارد بیمارستان شدیم جلوی ما را گرفتند و به علت این که در سفر بودیم تا زمانی که صحت سلامتی مان مشخص نشده بود، نگذاشتند مرتضی را ببینیم. بعد از ساعتی، مهدی احمدوند به من گفت مرتضی می خواهد تو را ببیند ولی حالش خوب نیست و دیگر آن مرتضی سابق نیست. بعد از شنیدن این حرف، دلم لرزید. رفاقت و دوستی ما با مرتضی رفاقت دلی بود، نه کاری و من شیفته منش و رفتار او بودم. من لباس مخصوصی رو د به آی سی یو ترانتم کردم و همین که وارد شدم مرتضی نیم خیز شد و گفت ممود من را دعا کردی؟ من هم برای حفظ روحیه مرتضی با خنده گفتم برایت دعا کردم و به زودی خوب می شوی اما او از بین مارت. مرتضی همیشه من را «ممود» صدا می کرد. همکاری های مرتضی آن روز های آخر خیلی به مرتضی سر می زدند و چون مرتضی ادب و احترام زیادی برای دوستانش قائل بود سعی می کرد از جایش بلند شود. من و مهدی کرد احساس کردیم مرتضی این طوری اذیت می شود. با پزشک صحبت کردیم و مرتضی ممنوع الملاقات شد تا بیشتر استراحت کند. به جز خانواده پاشایی کسی نمی توانست با او ملاقات داشته باشد. شاید نزدیکان مرتضی از من ناراحت باشند که چرا آن روز ها اجازه نمی دادم که آن ها مرتضی را ببینند ولی مرتضی نیاز به استراحت داشت و من با توجه به مسئولیتی که خود مرتضی به عهده ام گذاشته بود، نمی توانستم اجازه بدهم که او اذیت بشود. من حتی روی تخت بیمارستان هم بادیگار د مرتضی بودم و وظیفه ام را انجام می دادم.»

شغل ما، فراهم کردن آرامش برای سلبریتی ها است

«مهدی احمدوند از دوستان نزدیک مرتضی بود و از زمان تشدید بیماری مرتضی، ما با هم ارتباط داشتیم. این رابطه دوستانه حالا به همکاری رسیده است»، محمود گل محمدی با این مقدمه ادامه می دهد: «یادم می آید اولین کنسرت مهدی احمدوند و آخرین کنسرت مرتضی در یک روز و در یک سالن برگزار شد. آن روز در ستان اول، کنسرت مرتضی برگزار شد و در ستان دوم، مهدی احمدوند کنسرت داشت. خدا را شکر که حالا هم در کنار دوستان مرتضی هستیم. من مدتی کشتی کار می کردم. بعد از در گذشت مرتضی پاشایی دفاع شخصی و ورزش های رزمی را یاد گرفتم و چیز هایی مثل تکلم بدون کلام، نگاه با چشم و... را آموزش دیدم. تکلم بدون کلام یکی از مباحث روان شناسی است که از رفتار طرف مقابل تان می فهمید آدم ها از نزدیک شدن به فردی که از او محافظت می کنید چه هدفی دارند. محافظت از سلبریتی ها حالا شغل من حساب می شود. من به جز مهدی احمدوند، حفاظت شخصی محسن ابراهیم زاده را بر عهده دارم. شغل بادیگار د سلبریتی ها بودن فقط مال ایران نیست و در تمام کشور ها چهره های معروف، آدم هایی را همراه خودشان دارند. در بعضی کشور ها مردم برای ابراز علاقه دست به هر کاری می زنند یا هر حرفی را بر زبان می آورند و آرامش را از سلبریتی شان می گیرند. آدم هایی مثل ما آن جا هستیم تا از این موضوع جلوگیری کنیم. حتما در کلیپ ها یا ویدئوها دیده اید که مثلاً در کنسرت ها مردم یک دفعه پیش خواننده روی صحنه می روند و او را بغل می کنند و صحنه را به هم می زنند. ما در ایران خیلی کمتر چنین اتفاقاتی را می بینیم اما مواردی هم وجود داشته که مزاحمت هایی برای سلبریتی ها پیش می آید و نیاز به بادیگار د احساس می شود. کار ما این است که زمینه را برای آرامش چهره های طرفدار فراهم کنیم.»

یک نفر با چاقو به محسن ابراهیم زاده حمله کرد



می پرسم در این مدت همکاری با خوانندگان آیا تا حالا جایی احساس خطر کرده است؟ او خاطراتش را مرور می کند و می گوید: «یک بار کنسرت مهدی احمدوند بودیم. این کنسرت در یکی از شهرستان هایی برگزار شد که خیلی از مردم آن اوضاع مالی خوبی نداشتند. اتفاقاً من هم آن جاتنها بودم و استرس داشتم. کنسرت هم خیلی شلوغ بود. یک سالن تدارک دیده بودند که دو هزار نفر گنجایش داشت. جمعیت داخل سالن تکمیل شده بود و حدود ۴ هزار نفر پشت در ایستاده بودند. کنسرت تمام شد و طرفداران مهدی احمدوند بیرون در ایستاده بودند و اجازه خارج شدن جمعیت را نمی دادند. داخل کنسرت هم آن بالا شرایط خوب نبود و همه کلافه شده بودند. مهدی احمدوند پایین آمد، باید از میان جمعیت عبور می کرد تا به بیرون برسد. همه هل می دادند تا جای مهدی بیایند و کار خیلی سخت شده بود. چند نفری هم آن لابه لای باشیطنت های شان کاری می کردند تا ما واکنش نشان بدهیم. من هم مجبور شدم شوکر را در بیارم و چندباری آن را روشن کنم و جمعیت را بترسانم تا از ما فاصله بگیرند. به خاطر مسئولیت، مجبور بودم با ترساندن مردم، مهدی احمدوند را به خود رو برسانم تا به سلامتی از میان جمعیت عبور کند.» او ادامه می دهد: «یک بار هم با محسن ابراهیم زاده در کنسرت کیش بودیم. من و چند نفر از دوستانم حراست و برقراری نظم سالن کنسرت را بر عهده داشتیم. یک آقای با چاقو با سرعت زیادی به طرف محسن ابراهیم زاده آمد. من او را ندیدم اما بچه ها و همکارانم وقتی او را دیدند به سرعت وارد عمل شدند و اجازه ندادند که او وارد صحنه شود. راستش هنوز هم نمی دانم دلیل این حمله ناگهانی چه بود!»



بعضی چهره های معروف برای تجمل، بادیگار د می گیرند

خیلی ها می گویند یک چهره معروف بادیگار د برای چه چیزی می خواهد؟ خیلی ها می گویند بادیگار د گرفتند تا بی خودی کلاس بگذارند و... این جور ی نیست؟ گل محمدی این طور پاسخ می دهد: «خدا را شکر ما در ایران آن چنان نیازی به تیم حفاظت نداریم و مردم هم خیلی مراعات می کنند. اما کاش مردم خودشان را جای چهره های معروف بگذارند. بعضی چهره های معروف حتی یک ساعت هم نمی توانند بیرون بروند. وقتی به بازار، گردش و خیابان و... می روند با مردم هوادار ها روبه رو هستند؛ هوادار هایی که انتظار دارند حال آدم مورد علاقه شان همیشه خوب باشد و اگر هزاران نفر هم باشند آن ها انتظار دارند چهره مورد علاقه شان با همه عکس یادگاری بگیرد یا با همه صحبت کند و... یک نفر باید آن جا باشد و بتواند جلوی اذیت شدن چهره ها را بگیرد. یک چهره معروف ممکن است به یک فروشگاه برود و یک ساعت برای آن جابر نامریزی کرده باشد ولی هیچ وقت حضورش در بیرون از خانه طبق برنامه پیش نمی رود. یک فروشگاه معمولی شاید ۴-۵ ساعت زمان ببرد. البته الان در ایران این طور باب شده که بعضی چهره ها برای تجمل بادیگار د می گیرند و من هم قبول دارم که بعضی ها اصلاً نیازی به حفاظت ندارند.»

برای هر کنسرت یک میلیون می گیرم

درباره دستمزد بادیگار د سلبریتی ها می پرسم. گل محمدی می گوید: «چند وقتی است که درگیر کرونا هستیم و کنسرت ها و کار ما هم کمتر شده است. جایی ممکن است که نیاز به سفر باشد و من تمام وقت در اختیار خواننده ها هستم. مثلاً در ایام عید، چند روزی را در کیش بودیم و کنسرت داشتیم. من یکسره پیش خواننده ها نیستم و حقوق ثابتی ندارم. اگر آن ها بخواهند جایی بروند یا برنامه ای داشته باشند تماس می گیرند و من همراهی شان می کنم و گر نه بقیه زمانم را در اختیار خودم هستم. سعی می کنم کمتر در زندگی خصوصی «محسن ابراهیم زاده» و «مهدی احمدوند» حضور داشته باشم چون برخلاف خیلی از همکارانم معتقدم که اصلاً لازم نیست یک بادیگار د پشت در اتاق چهره ها بخوابد و از آن ها مراقبت کند! الان برای همکاری با «مهدی احمدوند» و «محسن ابراهیم زاده» این طوری قرار داد بستیم که برای هر کنسرت در تهران یک میلیون تومان می گیرم. برای هر ستان کنسرت های شهرستانی ۶۰۰-۷۰۰ هزار تومان می گیرم. برای اجراهای داخل خیره ها و نهاده ها هم تخفیف می دهم و مبلغ کمتری در حدود ۴۰۰ هزار تومان می گیرم چون می دانم که بقیه بچه های تیم هم مبالغ پایین تری می گیرند تا مردم را شاد کنند. کنسرت های تهران با این که در شهر خودمان است اما دستمزد ها بالاتر است چون در تهران همه در آمد کنسرت مال خود تیم و شرکتی است که از محسن ابراهیم زاده یا مهدی احمدوند پشتیبانی می کند اما در شهرستان ها مردم شاید دست شان خالی باشد و نتوانند هزینه زیادی بپردازند. ما سعی می کنیم تا حد امکان از هزینه های کنسرت های شهرستانی کم کنیم تا مردم را شاد کنیم.»

برای عکس گرفتن با چهره ها پارتی بازی می کنم!

«من علاوه بر حفاظت از سلبریتی ها، معمولاً همه کاره سالن کنسرت هم هستم و برای بعضی ها پارتی بازی می کنم! مثلاً بعضی وقت ها آدم های سالمند یا معلول یا مادر هایی با بچه در بغل شان می آیند و در صف می ایستند تا با محسن ابراهیم زاده یا مهدی احمدوند عکس بگیرند. من آن جا پارتی بازی می کنم و آن ها را جلومی آورم چون این آدم ها خیلی لطف بیشتری دارند که حاضر شدند سختی و مشکل را به جان بخرند و برای دیدن هنر مند مورد علاقه شان بیایند.» گل محمدی می افزاید: «کنسرت ها معمولاً یک مقدمه و موخره ای دارند و در بعضی کنسرت ها مردم ساعت ها در صف می ایستند تا با خواننده ها عکس بگیرند. مراسم کنسرت ها تا هر مقداری طول بکشد من در کنار محسن ابراهیم زاده و مهدی احمدوند هستم. اصلاً این جور نیست که من و محسن یا مهدی فقط در زمان اجرای کنسرت آن جا باشیم و بعد هم برویم. مخصوصاً در بعضی شهرستان ها، مردم مسیر های طولانی را می آیند تا در کنسرت ها شرکت کنند. محسن ابراهیم زاده هم خودش ساعت ها با لیخنند کنار مردم می ایستد و با آن ها عکس می گیرد تا لطف آن ها را اجران کند.»